

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۳) آرام بخش دل ها

کمی مکث کرد و پرسید:

- آیا باغبان اول، صرفاً به خاطر داشتن آن ویژگی ها و توانایی ها، می تواند هر تکه زمینی، ولو شوره

زار، را به صورت باغی سبز و خرم در آورد؟

گفتم:

- خیر.

آب و خاک و جای یک زمین در امکان باغ شدن یا نشدنش نقش تعیین کننده ای دارد.

تبدیل یک شوره زار به باغی سر سبز، حتی برای یک باغبان دانا و توانا، اگر ناممکن نباشد بسیار دشوار

خواهد بود.

به همین علت، یک باغبان با تجربه وقت خود را صرفِ کار در شوره زار نمی کند و اگر باغ دیگری نداشته باشد ترجیح می دهد به جای کوبیدن آب در هاون و یا بیکار ماندن، تجربه و توانش را در راه کمک به دیگر باغبانان به کار بگیرد.

پرسید:

- آیا بهتر نیست که یک باغبان به جای آن که منتظر بماند تا دیگران باغی نیمه ویران یا زمینی بایر را برای آبادسازی به او بدهند، خودش زمین مناسبی را انتخاب کند و باغ مورد نظرش را در آن به وجود آورد و گل ها و گیاهان مورد نیاز یا مورد پسندش را به شیوه خودش در آن پرورش دهد؟

گفتم:

- به نظر میرسد برای یک باغبان مجرب این بهترین گزینه باشد، چون تنها در چنین باغی او می تواند ویژگی ها و توانایی هایش را به بهترین نحو به نمایش بگذارد.

با حرکت سر گفته مرا تأیید کرد.

پرسید:

- حال اگر باغبان اول به جای آبادسازی باغ های دیگر و یا کمک به سایر باغبانان، به خود و به باغ خود بپردازد چه خواهد شد؟

گفتم:

- روز به روز باغش باغی بهتر و خودش باغبانی بهتر خواهد شد.

پرسید:

- باغ بهتر چگونه باغی است؟

پاسخ دادم:

- در باغِ بهتر گیاهانی زیباتر و یا مفیدتر و درختانی سرسبزتر و یا پربارتر وجود دارد. در چنین باغی به علف

های هرزِ کمتری برمی خوریم و از بوته های خار هم اثری نیست.

پرسید:

- و باغبانِ بهتر چگونه باغبانی است؟

گفتم:

- باغبانی داناتر، تواناتر، کوشاتر، و با انگیزه و دلبستگی بیشتر.

لبخندِ رضایت بر لبانش نشست.

فرمود:

- هروقت به پسوندِ "تر" در یک واژه بر می خوریم می دانیم که با یک مقایسه سرو کار داریم. منظور شما از

باغِ بهتر و باغبانِ بهتر چیست؟ بهتر نسبت به کدام باغ و کدام باغبان؟

گفتم:

- نسبت به باغِ همسایه و باغبانِ آن؛ نسبت به باغِ های کنارش.

فرمود:

- اما گاهی می گویند این باغ نسبت به پارسال بهتر شده است.

گفتم:

- آن گاه آن را با شرایطِ قبلیِ خودش مقایسه می کنند؛ نسبت به پشتِ سرش.

زمزمه کرد:

- کنار... پشت سر... چرا از پیش رو چیزی نمی گویند؟

پرسید:

- چرا شما همیشه مایلید مقایسه را نسبت به آن چه که هست و یا آن چه که بود انجام دهید؟

چرا یک پدیده را با آن چه که می تواند باشد، و یا بالاتر از آن، با آن چه که باید باشد نمی سنجید؟

گفتم:

- منظورتان را درک نمی کنم.

فرمود:

- روزی که یک باغبان سنگ بنای باغ خود را می گذارد، هدف او ایجاد یک باغ با ویژگی های معین است.

آیا بهتر نیست باغ او را، به جای مقایسه با شرایط قبلی اش و یا با دیگر باغ ها، بر مبنای میزان نزدیک بودنش

به آن باغ هدف ارزیابی کنیم؟

مقایسه با "هدف" اصیل ترین و منطقی ترین شیوه برای سنجش میزان "بهتر شدن" یک پدیده

است.

اگر آن پدیده یک باغ باشد، این شیوه علاوه بر سنجش میزان پیشرفت، امکان برنامه ریزی را هم برای

باغبان آن فراهم می کند و باغبان همواره می تواند بداند که از مسیر رسیدن به آن باغ هدف چه مقدار باقی مانده

است و ضمناً چه کارهای دیگری باید انجام شود.

گفتم:

- ممکن است که یک باغبان در تعیین هدف اشتباه کند و یا عمداً هدف خود را ایجاد باغی معمولی قرار

دهد تا هر چه آسان تر به آن برسد و خیلی زود خود را موفق نشان دهد تا به باغ خود ببالد و تحسین شود.

فرمود:

- اگر کسی دلش به این نوع توفیقاتِ صوری و تحسین های بی ارزش خوش می شود بگذارید در عالمِ بچگانه اش دلخوش بماند.

هدف گذاری واقعی یعنی تصورِ احداثِ باغی که، در نهایت، در آن تمامی امکاناتِ مثبت و سازنده اش شکوفا شوند و به هیچ یک از امکاناتِ منفی و بازدارنده مجالِ بروز داده نشود.

و تأکید کرد:

- همهٔ امکانات؛ چه امکاناتِ آشکار و چه امکاناتِ پنهان.

یک آن احساس کردم که آن آشنا هم مثلِ دیگران دارد با بازی با کلمات و طرح پرسش های پیش پا افتاده ای - که شاید هر کودکِ خردسالی پاسخ آن ها را می دانست - از پرداختن به سؤالِ اصلی من طفره می رود .

هر دم منتظر بودم که مثلِ دیگران با تمثیلِ باغ های متروک و آباد به من بگویند که چگونه باید دامنِ همت به کمر بزنم و باغِ نیمه ویرانِ زندگی ام را روز به روز آبادتر کنم و... از این گونه نصایحِ نخ نما.

آه!

چه زود پندِ او را فراموش کرده بودم؛

داشتم او - آن آسمانی - را با زمینی ها مقایسه و در موردش قضاوت می کردم.

سخت در اشتباه بودم؛

چون

مقایسهٔ آسمانیان با زمینیان یکی از نادرست‌ترین سنجش‌ها، و قضاوت بر مبنای چنین قیاسی از جمله ناراست‌ترین داوری‌هاست.

ادامهٔ گفتگوهایمان نیز نشانگر آن بوده که او دارد دقیقاً به سوی سؤال اصلی من می‌رود

و

به شیوهٔ همیشگی اش با این پرسش‌ها و پاسخ‌های به ظاهر ساده و بدیهی دست‌مرا گرفته و به سوی

"او" می‌برد.

به سوی "او" که یاد و نامش آرام بخش دل‌هاست.

ادامه دارد